

چگونگی عملکرد

بندرت کسی را دیده ایم که راه ما را با جدیت بپیماید و به مقصد نرسد ، کسانی که بهبود نمی یابند آنهایی هستند که نمی خواهند و یا نمی توانند خود را کاملاً به این برنامه ساده بسپارند ، معمولاً آنان مردان و زنانی هستند که اساساً نمی توانند با خود صادق باشند ، متأسفانه چنین اشخاصی وجود دارند ، این دسته مقصر نیستند و ظاهراً اینگونه به دنیا آمده اند ، اینان طبیعتاً نمی توانند روش زیستی را که نیاز به صداقت کامل دارد در پیش گیرند و امکان موفقیتشان کمتر از حد معمول است ، افرادی نیز وجود دارند که از آشفتگی های روحی و روانی شدید رنج می برند اما بسیاری از آنان قابل به بهبودی اند ، مشروط بر آنکه توانایی صادق بودن را داشته باشند .

داستانهای ما بطور کلی بیان کننده نحوه زندگی ما در گذشته ، اتفاقی که برایمان افتاد و چگونگی زندگی ما در حال حاضر است ، چنانچه طالب راه ما هستید و برای بدست آوردنش از هیچ کوششی فروگذاری نمی کنید ، در آن صورت آماده اید که قدمهای مشخصی را بردارید .

ما در برداشتن بعضی از این قدمها طفره رفتیم و تصور کردیم می توانیم راهی آسانتر پیدا کنیم ، لیکن نتوانستیم ، صمیمانه از شما تقاضا داریم که از ابتدا کاملاً بی پروا و جدی باشید ، بعضی از ما سعی کردیم به عقاید کهنه خود بچسبیم اما هیچ نتیجه ای نگرفتیم ، تا آنکه کاملاً تسلیم شدیم .

به خاطر داشته باشید که با **الکل** سروکار داریم که حيله گر ، مبهوت کننده و با قدرت است ، بدون کمک غلبه بر آن بسیار دشوار می باشد ، اما مرجعی وجود دارد که تمام قدرتها در دست اوست و آن پروردگار است ، باشد که اکنون او را پیدا کنید ، از میانبرها حاصلی نگرفتیم ، بر سر دوراهی رسیدیم ، خود را کاملاً به او سپردیم و تقاضای حمایت کردیم ، اینها قدمهایی است که ما برداشتیم و بعنوان یک برنامه بهبودی پیشنهاد می شوند :

- ۱- ما پذیرفتیم که در مقابل الكل عاجز بودیم و اختیار زندگی مان از دستمان خارج شده بود .
- ۲- ایمان آوردیم که نیرویی مافوق می تواند سلامت عقل را به ما بازگرداند .
- ۳- تصمیم گرفتیم که اراده و زندگی مان را به پروردگاری که خود درک می کردیم بسپاریم .
- ۴- یک ترازنامه اخلاقی بی باکانه و موشکافانه از خود تهیه کردیم .
- ۵- چگونگی دقیق خطاهای خود را به خداوند ، خود و یک انسان دیگر اقرار کردیم .
- ۶- آمادگی کامل پیدا کردیم که پروردگار کلیه نواقص اخلاقی ما را مرتفع کند .
- ۷- با فروتنی از او خواستیم کمبودهای اخلاقی ما را بر طرف کند .
- ۸- فهرستی از تمام کسانی که به آنها زیان رسانده بودیم تهیه کردیم و درصدد جبران برآمدیم .
- ۹- بطور مستقیم در هر جا امکان داشت از افراد فوق جبران خسارت کردیم ، مگر در مواردی که انجام آن زیان مجددی بر ایشان و یا دیگران وارد کند .
- ۱۰- به تهیه ترازنامه شخصی خود ادامه دادیم و در صورت قصور بلافاصله بدان اقرار کردیم .
- ۱۱- از راه دعا و مراقبه کوشیدیم به پروردگاری که خود درک می کردیم نزدیکتر شویم و فقط طالب آگاهی از خواست او برای خود و قدرت اجرایش شدیم .
- ۱۲- با بیداری روحانی حاصل از برداشتن این قدمها سعی کردیم این پیام را به الکلی ها برسانیم و این اصول را در تمام موارد زندگی خود به اجرا درآوریم .

بسیاری از ما با شگفتی فریاد زدند :

این چه برنامه ای است ، من نمی توانم آن را انجام دهم ، مایوس نشوید ، هیچ یک از ما نتوانستیم این اصول را بطور کامل و بی نقص رعایت کنیم ، ما از مقدسین نیستیم ، نکته اینجاست که خواستار رشد و نمو معنوی باشیم ، ما ادعای پیشرفت معنوی داریم نه تکامل .
توصیف ما از الکلی ، فصل مربوط به بی اعتقادان و ماجراهای فردی ما در گذشته و حال ، این سه نظر کلی را به وضوح مشخص می کند :

الف : که ما الکلی بودیم و نمی توانستیم زندگی خود را اداره کنیم .

ب : که احتمالاً هیچ نیروی انسانی قادر نبوده است مارا از الکلیسم نجات دهد .

ج : و او پروردگار است که می تواند ، اگر در جستجویش باشیم .